

# شیوه ها و راهبردهای

# نوپدید

# تعلیم و تربیت

فریبا مؤیدنیا

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

«فرزندان خود را برای زمان خود تربیت کنید.»

امام علی - علیه السلام -

## مقدمه:

آموزش و پرورش در روزگار کنونی به پیروی از دگرگونی هایی که در جهان پدید آمده، تغییرات عمده ای یافته است. مهم ترین ویژگی دنیای کنونی، شتاب پریشان کننده تحولات در آن است که عمر و بقای همه چیز را کوتاه کرده و جامعه را در فراگرد شتابان نو شدن و دگرگونی قرار داده است. در چنین وضعی نظام آموزش و پرورش بسیاری از کشورها (از جمله کشور ما) هم چنان با شیوه های کم اثر و پنداره های مرده و ناساز در راه کاربرد معرفت های کهنه و منسوخ گام بر می دارد و بر ثبات و دوام یافته های گذشته تأکید می ورزد. هنوز شیوه های آموزش به صورت تسلط و چیرگی معلم و انفعال و پذیرش متعلم استوار است و سندیت معلم چون کوهی بلند در راه جست و جو و کاوش دانش آموزان مانعی هراس انگیز به شمار می آید. هنوز انتقال معلومات و به حافظه سپردن اطلاعات، از روش های چیره در نهادهای آموزشی است. هنوز یک یا چند کتاب درسی به شوق و ذوق و انگیزه یافتن تازه ها و کاوش





یکی از مهم ترین شیوه های  
تعلیم و تربیت جدید، ایجاد تفکر  
انتقادی و پرورش حس  
پرسشگری و کاوشگری در  
متعلمان می باشد تا دانش آموزان  
بر خلاف روش سنتی، خود  
فعالانه در صدد جست و جوی  
پاسخ ها برآمده، به کشف  
پاسخ های صحیح نائل آیند.



صلاحیت هایش به عنوان فردی یکتا و بی نظیر مورد توجه قرار می گیرد. در این مدل نسبت به اهمیت فرایند یادگیری بیش تر توجه می شود و نسبت به محصول یادگیری از طریق حفظ کردن، کم تر تأکید می گردد و درکنار آن نقش تجربه در بهبود، رشد و تغییر و تحول انسان اهمیت خاص پیدا می کند. از آثار این مدل فکری، مدارس باز است که در آن ها یادگیری وقتی اتفاق می افتد که یادگیرنده با تجربه و مشاهده مستقیم پدیده ها به مفاهیم جدیدی برسد و برای او سؤال هایی پیش آید. (ساعتچی، ۱۳۷۶، صص ۳۱۳ و ۳۱۴)

در جدول شماره ۱، مهم ترین تفاوت های تعلیم و تربیت قدیم و جدید مطرح شده اند (سید عباس زاده، ۱۳۸۱). همان طور که از مطالعه جدول هم بر می آید، متأسفانه در کشور ما بیش تر روش های سنتی تعلیم و تربیت به کار گرفته می شوند که با توجه به نتایج تحقیقات و بررسی های انجام شده و با عنایت به تغییرات و دگرگونی های به وجود آمده در

و تحلیل و کشف و آفریدن دانش آموزان غلبه دارد و هنوز کودکان و نوجوانان بسیاری با شیوه هایی پرورده می شوند که مهر کهنگی و ناساز بودن بر آن نقش بسته است. (طوسی، ۱۳۷۵، صص ۳۱ و ۳۲)

از همین روست که مقاله حاضر سعی دارد ضمن بیان پاره ای از تفاوت های شیوه های تعلیم و تربیت قدیم و جدید، به ضرورت توجه و استفاده از شیوه های نو پدید تدریس و تعلیم و تربیت در نظام آموزشی کشور بپردازد.

### تفاوت های تعلیم و تربیت قدیم و جدید

بررسی ها و مطالعات نشان می دهند که به طور کلی دو نوع تفکر در مورد انسان در نظام های آموزش و پرورش وجود دارد. در مدل اول، انسان به عنوان موجودی غیرفعال، تهی و منفعل در نظر گرفته می شود که ذاتاً تنبل و تن پرور است و بنابراین هدف آموزش و پرورش را انتقال فرهنگ، پر کردن ذهن تهی آدمی و شکل دادن به رفتار او می داند. براساس این مدل فکری که مدل «ماشین نگری» است، برنامه های تحصیلی مرحله به مرحله و غیر قابل انعطاف، اساس برنامه ریزی تلقی می شوند و تأکید بر زمینه انتقال محتوای مطالب بیش از فرایند یادگیری است. مدل دیگر، مدل «ارگانیسمی» است که در آن انسان به عنوان موجودی فعال است که شایستگی ها و



تعلیم و تربیت قدیم	تعلیم و تربیت جدید
۱- یادگیری به معنی به یاد سپاری و حفظ معلومات	۱- یادگیری به معنی ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار
۲- توجه به ارزش ذاتی علم	۲- توجه به ارزش کاربردی علم
۳- کتاب‌ها و متون علمی و آموزشی به عنوان «مواد آموزشی»	۳- هم کتاب‌ها و هم همه عوامل و عناصر محیط به عنوان «مواد آموزشی»
۴- معلومات علمی ثابت و لا یتغیر	۴- معلومات علمی قابل تغییر و انعطاف
۵- آموزش مقدم بر پرورش	۵- پرورش مقدم بر آموزش
۶- آموزش یعنی انتقال دانش از معلم به دانش‌آموزان	۶- آموزش: کسب معلومات برای حل مسئله توسط خود دانش‌آموزان به راهنمایی معلم
۷- معلم انتقال دهنده معلومات	۷- معلم راهنما و هدایت کننده جریان یادگیری
۸- تنبیه مقدم بر تشویق	۸- تشویق مقدم بر تنبیه
۹- ضرورت تنبیه حتی تنبیه بدنی	۹- محدودیت تنبیه و ممنوعیت تنبیه بدنی
۱۰- اهمیت تمرین و تکرار در یادگیری	۱۰- اهمیت فهم و درک در یادگیری
۱۱- دانش‌آموزان منفعل و پذیرنده	۱۱- دانش‌آموزان فعال و شریک در یادگیری
۱۲- توجه به مشابهت‌های دانش‌آموزان و یکسان تلقی نمودن استعدادها و توانایی‌های آنان	۱۲- توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان از نظر استعدادها و توانایی‌های آنان
۱۳- معلم «بحر العلوم» و همه کاره کلاس	۱۳- معلم، شخص حرفه‌ای و رهبر کلاس
۱۴- «آینده» دانش‌آموزان مقدم بر «حال» آنان	۱۴- «حال» دانش‌آموزان مقدم بر «آینده» آنان
۱۵- انتظارات والدین و معلمان مقدم بر علائق و نیازهای آنان	۱۵- علائق و نیازهای دانش‌آموزان مقدم بر انتظارات والدین و معلمان
۱۶- پرورش عادات و آداب پسندیده	۱۶- کشف و پرورش استعدادها و دانش‌آموزان
۱۷- روش تدریس نظری و سخنرانی	۱۷- روش تدریس عملی، پروژه و حل مسئله
۱۸- تفوق روش فلسفی و قیاسی	۱۸- تفوق روش تجربی، آزمایشی و استقرایی
۱۹- آموزش و پژوهش از طریق اصول و قوانین	۱۹- آموزش و پژوهش از طریق فرضیات و تعمیم‌های موقت

#### جدول شماره ۱- مقایسه تعلیم و تربیت قدیم و جدید

کشوری مثل ژاپن ۹ تا ۱۰ درصد در آمد ملی صرف انجام پژوهش می‌شود آن است که به دانش‌آموزان این کشور در زمان تحصیل، پژوهشگری و تحقیق با بهره‌گیری از روش‌های تجربی آموزش داده می‌شود. در صورتی که در نظام آموزش و پرورش ما نسبت به حفظ کردن و تقویت حافظه دانش‌آموزان تأکید می‌گردد، به طوری که اکثر آنان با کاربرد مفاهیم یاد گرفته شده بیگانه‌اند و حتی این حالت منفعل بودن را به زندگی خود نیز تعمیم می‌دهند. بدین ترتیب دانش‌آموزان ما هنر تفکر و کشف روابط بین پدیده‌ها را کسب نمی‌کنند و خلاقیت و نوآوری آنان هم، به میزانی که ظرفیتش را دارند، رشد پیدا نمی‌کند. (همان، صص ۳۱۲ و ۳۱۷).

بدون شک گذار موفقیت‌آمیز از کاربرد شیوه‌های منسوخ

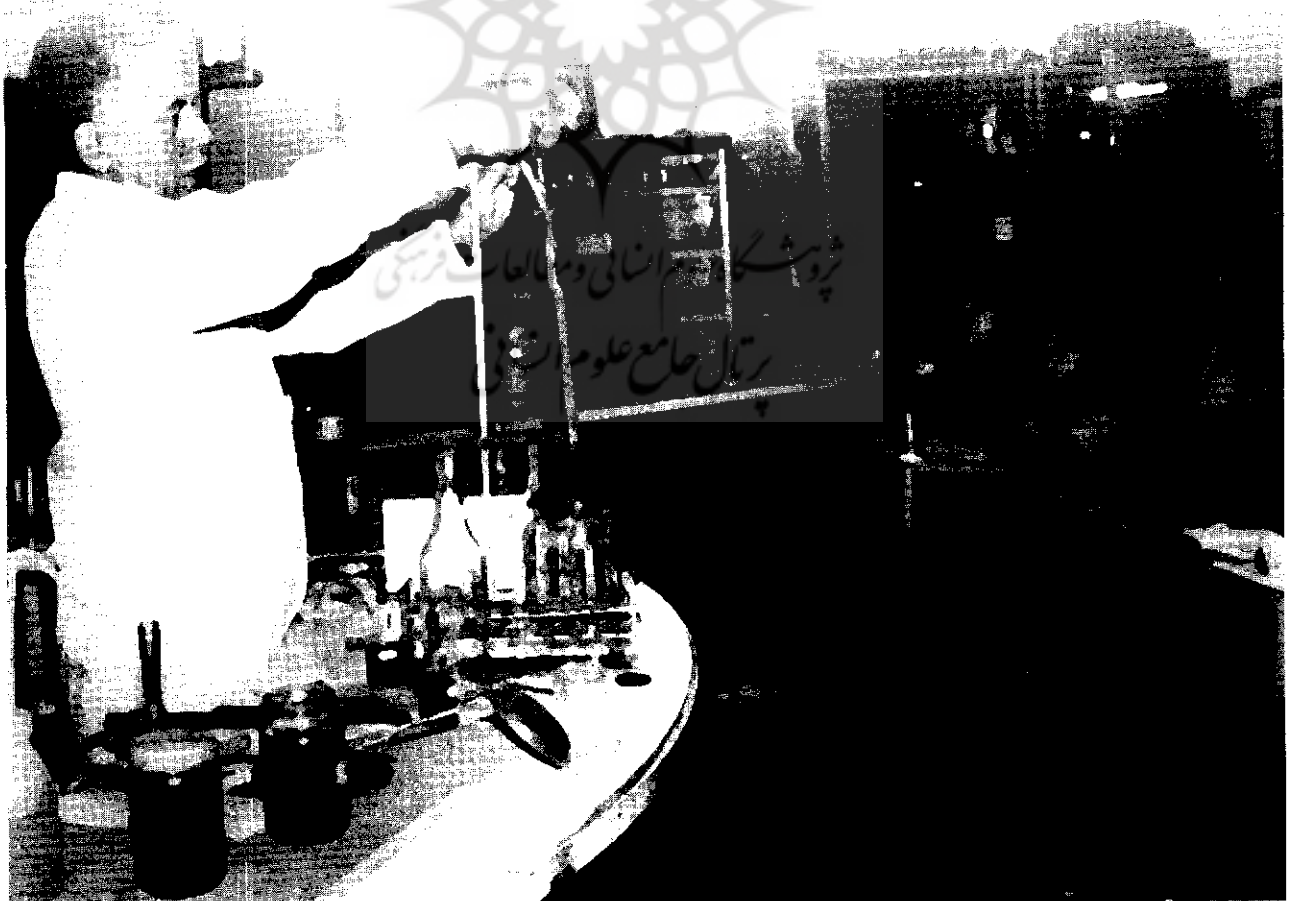
عرصه‌های علمی، تکنولوژیکی و اجتماعی در عصر حاضر، ناکارآمدی آن‌ها آشکار گردیده است. یکی از شواهد موجود در این مدعا، جایگاه ضعیفی است که کشور ما در مقایسه با سایر کشورهای جهان از نظر شاخص‌های توسعه و آموزش، تعداد مقالات علمی، شمار افراد محقق و... دارد که نشان می‌دهد به سبب ناکارآمدی روش‌های تعلیم و تربیت سنتی، فرهنگ تحقیق در بستر این خاک ریشه نکرده است. به نظر می‌رسد که برای رفع این معضل و برای به تصویر کشیدن سیمای پژوهش نه در قاب رنگ، بلکه در قالب فرهنگ هم، مؤثرترین اقدام، اشاعه و توسعه کاربرد روش‌های جدید تعلیم و تربیت و تدریس در مدارس و دانشگاه‌های کشور باشد. در همین زمینه جالب است بدانیم علت این که در

کودکان را نباید لوح‌های سفید یا ظرف‌های خالی دانست که باید از معلومات انباشته شوند، بلکه آنان مانند دانشمندان دارای فرضیه‌هایی درباره جهان‌اند و پیوسته آن‌ها را هنگام تجربه کردن دنیای پیرامون خود، آزمایش و اصلاح می‌کنند. (بازللهی، ۱۳۷۹، ص ۳۳) بنابراین دانش‌آموز در فرایند یادگیری خود نباید صرفاً منفعل و پذیرنده باشد، بلکه باید نقش فعال در یادگیری خود داشته باشد و معلم نیز به عنوان هدایتگر و راهنمای دانش‌آموز، کسی است که فراهم کننده فرصت‌ها و تجارب یادگیری برای وی می‌باشد.

### اهمیت استفاده از شیوه‌های نو پدید تدریس و تعلیم و تربیت در پاسخ‌گویی به نیازهای خودیابی و خودشکوفایی دانش‌آموزان

مطابق نظریه مازلو نیازهای خودیابی و خودشکوفایی<sup>۲</sup> در انسان (به معنی نیاز به درک توان بالقوه خود و به کار گرفتن آن چه در توان داریم)، در رأس سلسله مراتب نیازهای انسان

و سنتی گذشته به شیوه‌ها و راهبردهای جدید و مؤثر، عزم ملی و مشارکت همه‌آحاد جامعه، به خصوص مسئولان و متولیان امر آموزش و پرورش کشور را می‌طلبد و مستلزم تغییر نگرش‌ها و باورهای معلمان، مسئولان و مردم نسبت به وظایف و کارکردهای آموزش و پرورش و ایجاد نوعی تفکر و فلسفه جدید نسبت به مسئله آموزش، یادگیری و... می‌باشد. باید بپذیریم که در عصر حاضر بیسواد کسی نیست که نمی‌تواند بخواند و بنویسد، بلکه بیسواد به کسی گفته می‌شود که یاد نگرفته است چگونه یاد بگیرد و اگر به دانش‌آموزان «چگونه یاد گرفتن» آموخته شود، فرایندهای یادگیری و خودسازی در آن‌ها درونی شده، عادت یادگرفتن در آن‌ها ایجاد می‌شود، عادتتی که علاوه بر قادر ساختن آن‌ها به سازگاری با موقعیت‌ها و شرایط مختلف، توانایی تغییر دادن موقعیت‌ها و به وجود آوردن شرایط مطلوب را (به جای منفعل بودن در برابر محیط و موقعیت‌ها) پدید می‌آورد. از طرفی همان‌طور که از نظریه سازنده گرا<sup>۱</sup>ی پیازه هم بر می‌آید،



قرار دارند و بالاترین نیازهای رشد تلقی می‌گردند. (مورهد و گریفین، ۱۳۸۰، ص ۹۲) مازلو در این باره می‌گوید: «انسان هر آن چه می‌تواند، باید بشود.» (هرسی و بلانچارد، ۱۳۶۶) جالب این جاست که توجه به این دسته از نیازهای فطری انسان و پاسخ‌گویی به آن‌ها نیز از طریق روش‌های جدید آموزش و پرورش و از طریق تعاملات مثبت و سازنده معلم - دانش‌آموز در این روش‌ها، بیش از شیوه‌های سنتی محقق می‌گردد. بی‌تردید همه دانش‌آموزان توانایی‌ها و استعدادهایی دارند. ادیسون در همین باره می‌گوید: «مبهوت ابهت بهت‌آور وجود خویش خواهیم شد اگر آن‌چه را که بالقوه داریم، به فعل در آوریم.» (رابینز، ۱۳۸۲، ص ۳۲۳) اما از آن‌جا که نیازهای خودیابی از نظر شناسایی و ارضا، مشکل‌ترین نیازها به شمار می‌آیند، بدیهی است که افراد بسیاری موفق نمی‌شوند به مرحله‌ای برسند که در آن توان بالقوه دارند. بنابراین یکی از کارکردهای مهم آموزش و پرورش این است که استعدادهای توانایی‌های بالقوه افراد را شناسایی کند و آن‌ها را پرورش دهد و در این زمینه روش‌های جدید تعلیم و تربیت، به سبب ماهیت انسان مدارانه خود، توفیق بیش‌تری دارند. برای تبیین بیش‌تر این موضوع به چند

مورد از ویژگی‌های انسان خود شکوفا از نظر مازلو اشاره می‌شود (همان منبع):

- تجربه‌های خاص خود، مانند تماشای غروب آفتاب، کمک به یک دوست و... را هر چند به دفعات تکرار شده باشد، با احساس لذت و احترام و گاه با شگفتی یاد می‌کنند.
  - برای یادگیری کاملاً آماده‌اند و به هر شخصی که قادر باشد به آن‌ها آموزش دهد، گوش می‌کنند.
  - مبتکرند و آفرینندگی آن‌ها شبیه ابتکار و تخیل ساده و صمیمی کودکان است و نسبت به امور و پدیده‌های مختلف نگرشی بدون تعصب دارند.
- و...

ملاحظه می‌شود که کاربرد شیوه‌ها و راهبردهای جدید تعلیم و تربیت، ابزارهای ایجاد و پرورش چنین ویژگی‌هایی در دانش‌آموزان به شمار می‌آیند. برای مثال معلمی که دانش‌آموزان را به توجه دقیق در اشیا و پدیده‌ها و تأمل در تجارب یادگیری مدرسه و تجارب زندگی روزمره فرا می‌خواند، شیوه‌های تفکر انتقادی و تفکر خلاق، پرسشگری علمی، داشتن ذهنی باز و بدون تعصب نسبت به پدیده‌ها و

شرایط نشو و نماي کم	شرایط نشو و نماي زياد
پذیرش / احترام کم به عقاید دانش‌آموز: عقاید دانش‌آموزان به ندرت ترغیب یا پذیرفته می‌شود. مباحثات کلاسی بسیار کنترل شده است و شرکت دانش‌آموز در آن‌ها اغلب مورد انتقاد قرار می‌گیرد.	پذیرش / احترام بالا به عقاید دانش‌آموز: عقاید دانش‌آموزان به طور مکرر پذیرفته می‌شود و معلم دانش‌آموزان را در مباحثه و سایر موقعیت‌های یادگیری وارد می‌سازد.
پذیرش / احترام کم به اثر دانش‌آموز: احساسات دانش‌آموز نادیده گرفته شده، یا با سردی مواجه می‌شود.	پذیرش / احترام بالا به اثر دانش‌آموز: تا آن‌جا که از ضرر رساندن به دیگران اجتناب گردد، معلم احساسات و عواطف دانش‌آموز را می‌پذیرد.
ترغیب / حمایت کم از دانش‌آموزان: شاگردان از اکتشاف می‌پوشند. معلم دارای یک راه درست است و فقط همان راه پذیرفته می‌شود و راه‌های احتمالی دیگر مورد بحث یا آزمون قرار نمی‌گیرند.	ترغیب / حمایت زیاد از دانش‌آموزان: شاگردان به اکتشاف، ارائه پیش‌نهادها و غیره ترغیب می‌شوند. جوی‌آکنده از «آن و ابیازهای آن چه روی می‌دهد به ما بگو» در کلاس وجود دارد.
معلم در تمام اوقات کلاس را کنترل می‌کند و سؤالات ناقد و فلسفی تشویق نمی‌شوند. آموزش درس و کامل کردن آن مقصود اصلی است.	هنگامی که بحث یا سؤال جالبی مطرح گردد، معلم مایل به خروج از موضوع است.
فردمداری کم: معلم تفاوت‌های فردی و نیازهای فردی را انکار کرده، همسازی دانش‌آموزان را می‌خواهد.	فردمداری زیاد: معلم تلاش می‌کند نیازهای روان‌شناختی هر کودک را فهمیده، به آن‌ها پاسخ گوید.

تأکید کم تر بر:	تأکید بیش تر بر:
یکسان رفتار کردن با همه دانش آموزان و پاسخ دادن به گروه دانش آموزی به عنوان یک کل.	تشخیص علائق، توانایی ها و تجارب و نیازهای فردی دانش آموزان و پاسخگو بودن نسبت به آن ها.
پی گیری انعطاف ناپذیرانه و سختگیرانه برنامه درسی.	انتخاب برنامه درسی مناسب و تعدیل آن. (ایجاد تغییرات لازم در برنامه درسی به اقتضای شرایط)
فراگیری و کسب اطلاعات و محفوظات توسط دانش آموزان.	تأکید بر ادراک و کاربرد دانش علمی، عقاید و فرایندها و جست و جو و تحقیق علمی.
پرسش از دانش آموزان به منظور بازپس دادن دانش کسب شده توسط ایشان.	فراهم کردن فرصت هایی برای بحث و گفت و گوی علمی و مناظرات علمی در بین دانش آموزان.
آزمودن اطلاعات دانش آموزان در انتهای هر واحد درسی یا هر فصل.	ارزیابی مداوم از ادراک دانش آموزان.
نگهداری و حفظ مسئولیت و اختیار (برای معلمان)	مشارکت با دانش آموزان در مسئولیت پذیری در یادگیری.
تقویت رقابت (بین دانش آموزان)	تقویت ارتباطات کلاسی توأم با همکاری، تسهیم مسئولیت پذیری و احترام.
کار انفرادی معلم	کار با معلمان دیگر برای بهبود بخشیدن به برنامه های علمی.

جدول شماره ۳ - توصیه های جدید در تدریس و آموزش مطابق با استانداردهای جدید تدریس علوم در ایالات متحده آمریکا (اینترنت)

مولوی می گوید:

آب کم جو تشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت از بالا و پست

در طلب زن دائماً تو هر دو دست

کاین طلب در راه نیکو رهبر است

از این بیان مولوی می توان چنین برداشت کرد که به نظر وی هنر استاد ایجاد طلب در دانشجویان و دانش آموزان، تشنه کردن ذهن و نامتعادل ساختن فکر آنان است و نه پاسخ دادن به طلب، سیراب نمودن ذهن و انباشتن معلومات در ذهن ایشان. (شگرف نخعی، ۱۳۸۱).

اینشتین نیز گفته است: «مهم ترین نکته بازماندن از طرح پرسش است. کنجکاوی و شوق دانستن، عامل حیات و زیستن است، هرگز این کنجکاوی مقدس را از دست ندهید. (رابینز، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱) هم چنین جالب است بدانیم هنگامی که از وی در مورد سرعت سیر نور سؤال شد در پاسخ گفت: «من مغزم را با چیزهایی که می توان در کتابخانه ها و دائرة المعارف ها پیدا کرد، پر نمی کنم (مجیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱) و توصیه اش به دانشجویان رشته های علوم این بوده است که «روزی یک ساعت وقت صرف کنید و نظریات دیگران را رد نموده، خودتان در مورد فرضیه ها بیندیشید.» (لوبوف، ۱۳۷۲، ص ۶۵).

آنتونی رابینز بر این باور است که «پرسش، لیزر خود آگاهی

دیدگاه های دیگران و پرداختن به زمینه های مورد علاقه را به دانش آموزان می آموزد و کم تر به ایجاد حالت انفعالی در آنان و انباشتن ذهنشان از معلومات و محفوظات می پردازد، در واقع با هدایت آنان به پذیرفتن نقش فعال در فرایند یادگیری خود، زمینه ارضای بخشی از نیازهای خود یابی آنان را فراهم می آورد. در همین مسیر، در جدول شماره ۲ پاره ای از رفتارهای معلم که به نشو و نمای کم یا زیاد دانش آموزان منجر می شود، آورده شده اند. (وایلز و باندی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۴) جدول شماره ۳ نیز تغییر در تأکیدات در تدریس رشته های علوم را مطابق با استانداردهای جدید تدریس علوم در ایالات متحده نشان می دهد.

### ایجاد تفکر انتقادی و پرورش حس پرسشگری و کاوشگری در دانش آموزان

همان طور که اشاره شد یکی از مهم ترین شیوه های تعلیم و تربیت جدید، ایجاد تفکر انتقادی و پرورش حس پرسشگری و کاوشگری در متعلمان می باشد تا دانش آموزان بر خلاف روش سنتی، خود فعالانه درصدد جست و جوی پاسخ ها برآمده، به کشف پاسخ های صحیح نائل آیند. برای بیان اهمیت، ضرورت، سودمندی و تأثیر این عامل در تدریس و آموزش و پرورش به ذکر نظریات تنی چند از فلاسفه و دانشمندان علوم مختلف می پردازیم.



در نظام آموزش و پرورش ما نسبت به حفظ کردن و تقویت حافظه دانش آموزان تأکید می‌گردد. به طوری که اکثر آنان با کاربرد مفاهیم یاد گرفته شده بیگانه اند و حتی این حالت منفعل بودن را به زندگی خود نیز تعمیم می‌دهند. بدین ترتیب دانش آموزان ما هنر تفکر و کشف روابط بین پدیده‌ها را کسب نمی‌کنند و خلاقیت و نوآوری آنان هم، به میزانی که ظرفیتش را دارند، رشد پیدا نمی‌کند.



انسان است.» (رایینز، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳)

البته ناگفته پیداست که تقویت حس پرسشگری در دانش آموزان به معنای ایجاد تفکر انتقادی در آنان و طرح سؤالات هدفمند و بجای می‌باشد. اهمیت این موضوع به آن اندازه است که در یکی از آیات قرآن کریم آمده است: هر کس از توانگران سؤالی از پیامبر (ص) دارد، به فقرا صدقه بدهد. (سوره مجادله، آیه ۱۲) و این بدان دلیل بوده است که افراد ارزش سؤالات خود را بدانند و از طرح سؤالات بیجا و بیهوده بپرهیزند. «مجیدی» به دانش آموزان این گفته مشهور را یادآور شویم که: «قضاوت از روی سؤالات شخص در مورد وی به مراتب بهتر و صحیح تر است تا از روی پاسخ‌های او.» هم چنین در جهت ایجاد تفکر انتقادی و پرورش حس پرسشگری و کاوشگری در دانش آموزان توجه به دو نکته مهم زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- ۱- حمایت از اشتباهات بجای دانش آموزان در جریان فرایند کاوشگری و حل مسئله:  
به دانش آموزان اصل «فلچر بایروم<sup>۳</sup>» را یادآور شویم که می‌گوید: «می‌توانید در حد معقول و منطقی اشتباه کنید» تا





به تفاوت‌ها بها بدهیم و بدانیم که تشابه حرکتی، غیر خلاق و ملال‌آور است، در صورتی که جوهره همکاری و تعاون بر پایه بها دادن به تفاوت‌هاست و یکی از رسالت‌های مهم دستگاه آموزش و پرورش و معلمان کشف استعداد‌های متفاوت دانش‌آموزان و کمک به پرورش و شکوفایی آن‌ها به گونه‌ای است که هر فرد به کمال مطلوب خود برسد و برای جامعه نیز مفید باشد.



مدرسه را نباید و نمی‌توان مانند یک کارخانه صنعتی و دانش‌آموزان را هم نمی‌توان و نباید مانند تولیدات یکسان و یک شکل آن دانست. به تفاوت‌ها بها بدهیم و بدانیم که تشابه حرکتی، غیر خلاق و ملال‌آور است، در صورتی که جوهره همکاری و تعاون بر پایه بها دادن به تفاوت‌هاست و یکی از رسالت‌های مهم دستگاه آموزش و پرورش و معلمان کشف استعداد‌های متفاوت دانش‌آموزان و کمک به پرورش و شکوفایی آن‌ها به گونه‌ای است که هر فرد به کمال مطلوب خود برسد و برای جامعه نیز مفید باشد.

بدانند که اشتباهات، بخشی از هزینه موفقیت‌اند و کسی که هرگز اشتباه نمی‌کند معمولاً کار زیادی هم انجام نمی‌دهد. معروف است هنگامی که از ادیسون در مورد احساسی که پس از حدود هزار بار عدم موفقیت خود در اختراع لامپ برق داشت، سؤال شد، پاسخ داد: «من شکست نخورده‌ام، اکنون من هزار راه برای این که لامپ برق ساخته نشود را آموخته‌ام!» (لوبوف، ۱۳۷۲)

۲- توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در دانش، علائق، عقاید، استعدادها، تجارب و نیازهای آنان:





## نتیجه‌گیری

اگرچه آموزش و پرورش نهادی است که باید در حفظ سنت‌ها بکوشد، اما نمی‌تواند تغییرات و تحولات سریع جامعه و جهان را نادیده بگیرد و خود را از آن‌ها جدا بیندارد. (یونسکو، ۱۳۶۸، ص ۲۹) به بیان دیگر، نهاد آموزش و پرورش به منظور پویایی و ایجاد تحولات اجتماعی مطلوب ناگزیر از پذیرش شیوه‌های جدید است. بنابراین اگر می‌خواهیم پیشرو باشیم باید شیوه‌های اثر بخش آموزش را به کار گیریم، روش‌های کهنه و ناساز گذشته را رها کنیم و فرزندان کشور را چنان پرورش دهیم که خلاقیت و نوآوری داشته باشند. با شیوه‌های سنتی تدریس که هم اکنون در بیش تر مقاطع تحصیلی و مدارس کشورمان به کار گرفته می‌شود تنها می‌توانیم درصد کمی از توان بالقوه فرزندانمان را پرورش دهیم.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- CUNSTRUCTIVIST
- 2- SELF - ACTUALIZATION NEED
- 3- FLETCHER BYROM

## منابع:

- بازاللهی، محمد (۱۳۷۹): فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۲۵.
- رابینز، آنتونی (۱۳۸۲): گام‌هایی به سوی موفقیت، ترجمه سوسن افشار، تهران.
- ساعتچی، محمود (۱۳۷۶): روان‌شناسی کاربردی برای مدیران، چاپ سوم.
- سید عباس‌زاده، میرمحمد (۱۳۸۱): جزوه کلاسی درس مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی.
- شفیع‌ی مطهر، علی: فصلنامه فرهنگ مشارکت، شماره ۳۰.
- شگرف نخعی، ایرج (۱۳۸۱): مجله تربیت، شماره ۱۲.
- طوسی، محمد علی (۱۳۷۵): فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۱۴.
- لویوف، مایلیک (۱۳۷۲): بزرگ‌ترین اصل مدیریت در دنیا، ترجمه مهدی ایران‌نژاد پاریزی، تهران.
- مجیدی، اردوان (۱۳۸۰): نظام برتر، تهران، نشر ترمه.
- مورهد و گریفین (۱۳۸۰): رفتار سازمانی، سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، چاپ ششم، تهران، انتشارات مروارید.
- وایلز، جان و باندی، جوزف (۱۳۷۶): نظارت در مدیریت و برنامه‌ریزی و راهنمایی‌تعلیماتی، ترجمه محمد رضا بهرنگی.
- هرسی و بلانچارد، کنت (۱۳۶۸): مدیریت منابع انسانی، ترجمه علی علاقه‌بند، تهران.
- یونسکو، (۱۳۶۸): تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش، ترجمه محمد علی امیری، تهران، انتشارات مدرسه.

- [HTTP:// WWW.NUP.EDU/ READINGROOM/ BOOKS/ NEES/ HTML/ INDEX. HTML.](http://www.nup.edu/readingroom/books/nees/html/index.html)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

